



سناریوهای بنزینی ۱۴۰۳

گفت‌وگو با سید کاظم عزیزی

معاون ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور



تهران شرقی - غربی؟

ارزیابی پیروز حناچی، محمدحسین شریف‌زادگان

حسین مقیمی و زهرا احمدی از تقسیم استان تهران



استراتژی دفاعی خاص

تحلیلی از آر مین منتظری

درباره راهکارهای ایران برای تقویت بازدارندگی



پایان نخست وزیر

گفتارهایی از محمد ترکمان، داریوش رحمانیان و نیکلا گرجستانی درباره محمد مصدق

یادداشت سردبیر

تعارض

خالص سازی و روزنه گشایی؟

درباره مواضع سیاسی «هم میهن» و ادعایی که «کیهان» می کند



محمد جواد روح

روزهای پس از انتخابات، زمان داغ تحلیل و ارزیابی آرا و نتایج و آینده نگری درباره سناریوهای محتمل و روندهای پیش روست. انتخابات ۱۱ اسفند هم از این قاعده، مستثنا نیست. چنان که در همین چند روز، جریان‌ها و چهره‌های شاخص جریان‌های سیاسی پوزیسیون و اپوزیسیون و نیز تحلیلگران و کارشناسان به میدان آمده‌اند و هرکس از منظر خود، سخن گفته‌اند. یکی که رویای احیای سلطنت دارد، از پس چند ماه سکون و سکوت، گویی فرصتی یافته تا آرای ریخته نشده به صندوق و حتی آرای باطله و مخدوش را به نام خود سند بزند و مثل روزهای داغ اعتراضات پارسال، فیل اش دوباره یاد هندوستان کند. مخالفان شرکت در انتخابات داخل کشور هم، بهانه و بستری یافته‌اند تا بر درستی تحلیل و پیش‌بینی خود مهر تأیید بزنند و مشارکت‌جویان منتقد را (که به «روزنه‌گشایان» معروف شده‌اند)، به باد تمسخر و انتقاد بگیرند. متقابلاً، مشارکت‌جویان فرصتی پیدا کرده‌اند تا از کسب حدود ۴۰ کرسی برای منتقدان دولت بگویند و اکثریت مشارکت‌نکرده را مورد نقد قرار دهند که حتی در این انتخابات هم می‌شد مؤثر واقع شد. اما شما نیامدید و کرسی‌های تهران و شهرهای بزرگ را رایگان به رادیکال‌ترین طیف‌های جریان حاکم سپردید. جریان حاکم هم مست از این پیروزی، به ستایش ۲۵ میلیون رای دهنده می‌پردازد و به‌ویژه آنانی را می‌ستاید که «رای ایدئولوژیک» داده‌اند و به قول خودشان، مصداق «جمهور ناب» هستند. درباره تحلیل‌ها و ادعاهای همه این طیف‌ها می‌توان سخن گفت و هر یک را با استدلالی رد یا تأیید کرد. اما آنچه سوز این نوشته است، روایتی است که «کیهان» از انتخابات داده است و طبق معمول، به بهانه آن، موضع رسانه‌ها و روزنامه‌های اصلاح‌طلب (از جمله «هم میهن») را زیر سوال برده است. ادعای کیهان‌نشینان این است که روزنامه‌های منتقد جریان حاکم در ماه‌های گذشته، مدام از «خالص سازی» نوشتند و درباره حرکت خرنده‌ای گفتند که نه فقط ساخت قدرت که جامعه ایران را هدف گرفته است؛ اما همین روزنامه‌ها در ایام رقابت‌های انتخاباتی لیست نامزدهای میانه‌رو را منتشر کردند و حامیان خود را به رای دادن فراخواندند. به عبارت دیگر، کیهان میان دو ایده «خالص سازی» و «روزنه‌گشایی» تعارضی را تصویر می‌کند و با این استدلال، منطق آن طیف از جریان حاکم را که همچنان بر سود جستن از فرصت انتخابات و ضرورت مشارکت فعال سخن می‌گویند، زیر سوال می‌برد. ←

گزارش حقوق ۲۰۳

احکام حاشیه‌ساز

بررسی توصیه‌ها و انتقادهای دیروز رئیس قوه قضائیه از برخی قضات در پی محکومیت شروین حاجی پور در گفت‌وگو با: سیاوش پورقاسمی / قاضی بازنشسته عبدالصمد خرمشاهی / وکیل

سرمقاله

مجازات و نه تحقیر

جامعه ایران درباره خیلی از مسائل و موضوعات به تفاهم نسبی و مشترکی نرسیده است، علت نیز گفت‌وگو نکردن درباره این موضوعات است. یکی از این موارد که خیلی هم مهم است، فلسفه مجازات است. ریاست محترم قوه قضائیه درباره برخی احکامی که اخیراً صادره شده، اظهار داشت که «قضات مجازاتی ندهند که قابلیت اجرا نداشته باشد. حکمی ندهید که وهن دستگاه قضایی باشد. قضات مجازات متناسب تعیین کنند. قانون به قاضی اختیار داده است، اما دقت کنید وقتی مجازاتی را تبدیل می‌کنید، آن تبدیل هم تناسب داشته باشد، بازدارنده باشد و از هر جهت متناسب باشد.» گرچه ایشان مصداق مشخصی را ذکر نکرده و طبیعی هم هست، ولی با توجه به اعتراضاتی که این روزها نسبت به حکم صادره علیه شروین حاجی پور، خواننده جوان ایرانی صادر شده، به احتمال قوی این نقدها ناظر به آن حکم است؛ حکمی که از طرف برخی روحانیون نیز مورد انتقاد قرار گرفت. خوانندگان کتاب‌های مرحوم مطهری یا نوشتن و تهیه مطلب درباره جنایات آمریکا برای خواننده‌ای که شعرش مورد پسند نبوده است، یا فلسفه مجازات تطابقی ندارد. اغلب افراد می‌دانند که اجرای چنین احکامی یا صوری و غیرواقعی خواهد بود یا در عمل انجام نخواهد شد، پس چرا صادر می‌شود؟ برای آنکه محکوم را تحقیر کنند، ولی متوجه نیستند که خواندن این کتاب‌ها یا تهیه مطلب درباره جنایات آمریکا و... را نباید مصداق مجازات گرفت، مگر اینکه از دید صادرکننده حکم انجام این کارها مجازات تلقی شود و این خیلی بد است. البته شاید گفته شود که نگهداری و پرستاری از سالمندان یا آموزش کودکان یا کاشت درخت که به‌عنوان مجازات تکمیلی و جانشین تعیین می‌شود، آیا مجازات است؟ اینها مجازات نیست، بلکه کارهایی است که محکوم هم از انجام آن استقبال می‌کند تا جبران فعل مجرمانه باشد. در واقع فلسفه تبدیل مجازات این است که به جای مثلاً زندان کردن، فرد محکوم به امر سازنده و انسانی چون کاشت درخت، نگهداری از سالمندان، آموزش کودکان یا پرداختن به امور خیریه ملزم شود تا جبران کند نه آنکه این کار را تحقیر خود تلقی نمایند. تبدیل مجازات باید به گونه‌ای باشد که مطلوب و مورد خواست محکوم و دادگاه و مردم باشد و مطلقاً متضمن تحقیر محکوم نباشد. ←

صلح به شرط عقب‌نشینی

گفت‌وگو با یوگن گراوچنگو کاردار اوکراین در ایران دو سال پس از حمله روسیه

روایت دیپلمات ۸۰۶